

تفسیر القرآن الکریم

لِلْأَسْنَادِ الْعَلَامَةِ الشَّهِيدِ أَبِي اللَّهِ

السَّيِّدِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ

فَلَدْرِيسِ

تفسیر علمی، فلسفی، عرفانی، فقهی و ادبی

معرفی و بررسی
طرح جامع تفسیری
در تفسیر القرآن الکریم

محمد عبداللہیان

قسمت اول

قرآن کریم تجلی گاه عظمت خداوند است و استوارترین برنامه جاودانه زندگی انسان در طول تاریخ است. حضرت امیرمؤمنان می فرماید: «کتاب خدا در دسترس شماست! زبان گویایی که کُند نشود، خانه ای است که پایه هایش ویران نگردد و صاحب عزتی است که یاران آن شکست نمی خورند» (نهج البلاغه فیض، ۴۱۲). «کسی با قرآن ننشست جز که چون برخاست، افزون شد یا از وی کاست. افزونی در رستگاری و کاهش از کوری. بدانید کسی که با قرآن است، نیازمند نباشد و بی قرآن، بی نیاز نباشد» (نهج البلاغه، ۵۶۷).

بیان فضیلت و عظمت قرآن مجید در کلام نمی گنجد چه افزون بر گفتار است. بهره مندی انسان از آن گوناگون است و از این رو تلاوت، حفظ، نظر، استماع، تعلیم و تعلم، فهم و تدبیر، ترجمه و تدریس و تفسیر آن همگی، همراه شدن و ارتباط با قرآن کریم محسوب می گردد، با این که همه آن ها دارای ثواب و فضیلت است. از آن میان، تفسیر قرآن کریم را می توان، مهم ترین، با فضیلت ترین و درخشان ترین ارتباط انسان با کلام الهی دانست زیرا حقایق قرآن

کریم و اعجاز آن با تفسیر نمایان می شود. در پرتو تفسیر است که فهم، تعلیم و تعلم، و تدبیر و ترجمه میسر و میسر می گردند و جامه عمل می پوشند. از این رو تفسیر دارای نخستین درجه اهمیت است و لازم به یادآوری است با این که تفسیر همراه با بالاترین فضیلت و آثار معنوی و روحی است، ولی دشوارترین گونه ارتباط با قرآن است که به سادگی برای فرد میسر نمی شود زیرا مفسر قرآن مجید لازم است واجد شرایط و جامع خصوصیات علمی، عملی، روحی، باطنی و سیر و سلوکی فراوان باشد تا بتواند به تفسیر و تبیین حقایق قرآن کریم بپردازد.

از بارزترین و برترین آن شرایط برخوردار می مفسران موهبت، لطف، رحمت و توفیق خاص الهی است، به طوری که اگر مفسر همه آمادگی ها را فراهم آورد ولی نظر و لطف خداوند را همراه نداشته باشد، نخواهد توانست در تفسیر، فهم و بیان حقایق قرآن موفق باشد و گامی استوار و راه گشا بردارد و مطلبی نو ارائه کند.

یکی از مفسران ارجمند که با جامعیت علمی و عملی و بهره مندی از عنایت و لطف الهی به تفسیر قرآن کریم پرداخته است، مرحوم آیت الله حاج سیدمصطفی خمینی (ره) است که با عشق و انس با قرآن و شایستگی کامل و طهارت باطن و احساس ضرورت، تدوین و تألیف «تفسیر جامع قرآن کریم» به تفسیر آیات الهی روی آورد و با تحقیقات عمیق و گسترده توانست «طرح نوین» و «سبک جدید»ی را در تفسیر فراروی محققان قرآنی بگذارد.

آن دانشمند بزرگوار و فقیه وارسته، با اشتغال مدام در طول ده سال، موفق به تفسیر سوره حمد و ۲۵ آیه از سوره بقره گشت که در چهارجلد به وسیله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ و نشر یافته است.

گرچه با کمال تأسف، این تفسیر شریف به اتمام نرسیده است، ولی در آن ویژگی های جاذب و امتیازات برجسته ای به چشم می خورد که توجه به آن ها می تواند راه نما و الگوی مناسبی برای پژوهشگران قرآن گردد.

ما برآنیم که با بیان شرح حال مؤلف، ویژگی تفسیر، طرح آن، روش آن، سطح، گستردگی، عمق مباحث، نوآوری ها و ابتکارات آن، خصوصیات عمده این تفسیر شریف را بنمایانیم. به امید این که فرد و یا گروهی مصمم گردند و با این سبک و روش، تفسیر کامل و جامع بر تمام آیات قرآنی تألیف و تدوین کنند.

مؤلف:

در معرفی یک اثر و یا کتاب توجه به شرح حال و زندگی مؤلف از آن جا ضرورت پیدا می کند که در حقیقت اثر و کتاب، محصولی و انعکاسی از طرز تفکر و اندیشه مؤلف آن است

و ویژگی‌ها و شخصیت نویسنده بر کتاب پرتو می‌افکند و به آن ارزش و استواری می‌بخشد. از این روی، شناخت، تجزیه و تحلیل یک اثر بدون توجه به معلومات و عقاید و گرایش‌ها و شخصیت نویسنده، امکان‌پذیر نخواهد بود. بدین جهت، برای شناخت ویژگی‌های این تفسیر، نگاهی گذرا به شرح زندگی و معلومات مؤلف عالی‌قدر آن خواهیم داشت.

آیت‌الله حاج سیدمصطفی خمینی در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی (مطابق با ۱۳۴۹ هجری قمری) دیده به جهان گشود. در دامن مادری باتقوا و پدری دانشمند، عارف و فقیه و در محیط آکنده از عرفان و معنویت رشد کرد و در سن ۱۵ سالگی به تحصیل علوم دینی پرداخت و پس از اتمام سطوح عالی، به حوزه درس خارج فقه مرحوم آیت‌الله بروجردی راه یافت و خارج اصول را از محضر پدر بزرگوار خود استفاده کرد. با پشت کار و استفاده از نبوغ شخصی در سن ۲۷ سالگی، شایستگی و قوه استنباط احکام پیدا کرد. مباحث فلسفه و حکمت متعالیه را در نزد اساتید و فیلسوفان نامدار همچون علامه سیدمحمدحسین طباطبایی و آیت‌الله سید ابوالحسن قزوینی به تلمذ پرداخت. در عرفان نظری و عملی و سیر و سلوک و تهذیب نفس از محضر حضرت امام (ره) بهره‌های فراوان برد و به دنبال قیام ملت ایران در سال ۱۳۴۲ به رهبری امام و تبعید حضرت امام به کشور ترکیه، مرحوم حاج آقا مصطفی توسط رژیم شاه دستگیر شد. ایشان نیز پس از سه ماه به ترکیه تبعید شدند و پس از پایان یافتن دوران تبعید، همراه حضرت امام به نجف اشرف منتقل گشتند و حدود سیزده سال اوقات شریف شان در حوزه علمی نجف به درس و تدریس و تألیف و تربیت طلاب سپری گشت و ده سال درس خارج فقه و اصول را تدریس کردند. جناب ایشان به عنوان یک مجتهد مسلم، کامل و صاحب نظر در فقه، اصول، عرفان، رجال، تفسیر و سایر علوم دینی شناخته شده بودند.

تالیفات:

از آن بزرگوار تالیفات و آثار ارزشمند و محققانه‌ای به یادگار مانده است.

۱. القواعد الحکمیة. ۲. کتاب البیع (سه جلد خطی). ۳. مکاسب محرمة (دوجلد خطی). ۴.
- کتاب اجاره. ۵. مستند تحریر الوسیلة. ۶. تعلیق بر عروة الوثقی. ۷. القواعد الرجالیة. ۸. اصول فقه. ۹. تفسیر قرآن کریم.

آیت‌الله سید مصطفی خمینی در آبان ماه سال ۱۳۵۶ ه.ش. در نجف اشرف چشم از جهان فرو بست و به ملکوت اعلی و جوار حق پیوست. حضرت امام خمینی مرگ مظلومانه او را از الطاف خفیه الهی دانستند.

پیکر پاکش با تجلیل و تکریم در جوار مرقد حضرت امیرمؤمنان و جنب قبر علامه حلی به خاک سپرده شد. از مجموع زندگی، تحصیل، تدریس و تألیف آن بزرگوار دو مطلب شایان توجه

به دست می آید.

۱. اطلاع مؤلف عالی مقام از دانش های گسترده و احاطه و تبحر او بر علوم گوناگون اسلامی از قبیل فقه، اصول، تفسیر، حکمت، عرفان، رجال، ادبیات و تاریخ اسلام.
 ۲. برخورداری مؤلف در تمام مطالب یاد شده از قدرت استنباط و اجتهاد و توانایی نقد و نظر و قدرت بررسی اقوال و آرای گوناگون.
- با این دو خصوصیت و آمادگی ارزشمند است که مؤلف توانسته است تفسیری با منزلت والا و ساختار جامع بیافریند.

طرح جامع و روش تفسیری:

در انجام امور بزرگ و موفق به ویژه کارهای پژوهشی، طرح و نقشه منظم مهم ترین رکن انجام و ثمربخشی آن محسوب می شود زیرا براساس طرح حساب شده و روش صحیح علمی است که اطلاعات بسیار و معلومات انبوه در جایگاه خود جای می گیرند و نظم و سامان می یابند و دارای نتایج ماندگار و جاودانه می شوند.

پرداختن به امور علمی و کارهای پژوهشی بدون داشتن روش ثابت و مطالعه شده، مانند ساختن بنایی است که از هیچ گونه هندسه و نقشه ای برخوردار نباشد و سازنده آن نداند که برای چه استفاده ای آن را بنا می کند. بنابراین سنگ زیرین و اساسی هر پژوهش را طرح و نقشه آن است.

تفسیر شریف آیت الله حاج مصطفی خمینی هرچند به اتمام نرسیده است و تنها چهار مجلد آن تألیف و نشر یافته است، ولی مؤلف عالی مقام آن توانسته است در پیکر آن، طرح جامع و استواری را مجسم کند و روش تفسیری ممتازی را پی ریزی گرداند. کسی که در آن تفسیر به بقت بنگرد خواهد یافت که مؤلف در راه تعیین آن طرح جامع و چهارچوب آن روش تفسیری، زحمات بسیار و مشورت ها و مطالعه گسترده ای را متحمل شده است تا پس از تعیین طرح، به انجام آن و تفسیر قرآن کریم بر آن اساس پردازد و جای خالی آن را پر کند. از آن جا که دریافت این روش تفسیری و طرح جامع آن دارای نتایج و آموزندگی ها و آثار سازنده و مفید بسیار است دانستن آن طرح می تواند سرمشق و الگوی مناسبی برای تدوین، تفسیر جامع قرآن کریم در عالم اسلام باشد. اینک به تبیین اصل طرح و سپس مبانی فکری دیدگاه های مؤلف می پردازیم.

اصل طرح:

مؤلف مباحث تفسیری مربوط به هرسوره را در آغاز آن بر سه محور کلی دسته بندی،

تقسیم و بیان می کنند.

اول: مباحث مربوط به کل سوره.

دوم: مطالب در ارتباط با کل آیه.

سوم: به تفسیر واژه ها و اجزای آیه می پردازد، که در این قسمت مباحث گسترده و عناوین بحثی بسیاری را می آورد تا بتواند به تفسیری جامع از آیه دست یابد. آن عناوین و سرفصل های تفسیر آیات عبارت اند از: لغت، صرف، نحو، قرائت، رسم الخط، حکمت، عرفان، فصاحت، بلاغت، علم حروف، اخلاق، فقه، اصول، تاریخ، کلام، مباحث اجتماعی، مسایل سیاسی و تفسیر آیه از دیدگاه های گوناگون.

نمونه ای از پیاده شدن آن روش را در تفسیر سوره حمد مشاهده می کنیم که ایشان مطالب تفسیری سوره حمد را در سه محور فوق می آورد:

۱. مطالب مربوط به کل سوره از قبیل: آیا سوره حمد اول سوره ای است که نازل شده، مکی است یا مدنی، بیان اوصاف و القاب، فضیلت و تعداد حروف و کلمات آن. کاملاً آشکار است که این مباحث مربوط به آیه ای خاص یا کلمه ای از سوره حمد نیست و مربوط به مجموع آن است.

۲. در ذیل «بسم الله الرحمن الرحيم» مباحث مربوط به مجموع آن را می آورند، از قبیل: پیش از اسلام کارها را به چه نامی آغاز می کردند؛ بسم الله در کتب آسمانی دیگر؛ آیا بسم الله در سایر سوره ها جزء آنهاست؟ و ذکر احکام بسم الله.

۳. به تفسیر تک تک واژه ها و کلمات آن می پردازند از قبیل کلمه «بسم»، «الله»، «رحمن» و «رحيم» که در ذیل هریک مباحث و عناوین یاد شده فوق را می آورند.

مؤلف این شیوه را در تمام تفسیر اعمال می کند و این مطلب عمده ای است که اهمیت والای این روش تفسیری در همین نکته نهفته است و از این روی می بایست دید چه مبنای فکری و زمینه ذهنی باعث شده است که مؤلف به چنین مباحثی گسترده در ذیل آیات پردازد و از دانش های گوناگون بهره گیرد بی این که دچار اشکال و ایرادی گردد. ما در مباحث ذیل، مبنای دیدگاه مؤلف و چگونگی بهره گیری از دانش های فراوان وی را بیان می کنیم.

بحث متمرکز:

مؤلف در تفسیر آیات خود را ملزم می داند که به مباحث سایر علوم و خارج از تفسیر آیات نپردازد. می فرماید: «وانی فی جمیع بحوث هذا السفر القیم، لاحظت الاختصار و عدم الخروج عن المناسبات الاولية عن حدود الدلالات اللفظية بالنسبة الى الآيات الکریمه» (۱۰۳/۲). نیز می فرماید: «ان المفسر لابد ان لا يتجاوز عن مقصوده ولا ينظر فی بعض الفنون التي من

المبادئ التصورية والتصديقية لهذا العلم الشريف» (۱۲/۱)

ایشان بر امثال فخر رازی که مطالب بیرون از تفسیر را در آن داخل کرده اند و بر حجم نوشته‌های بی ارتباط به تفسیر افزوده اند، اشکال و ایراد می‌گیرند و خود اظهار می‌دارند که به هیچ وجه نباید به آن چه به آیه مربوط نیست پرداخت و این دیدگاه مناقات ندارد با آن چه مفسر به تفسیر آیات از دیدگاه علوم گوناگون مانند حکمت، عرفان، معانی، بیان و صرف و نحو می‌پردازد زیرا فرق بسیار است بین این که در تفسیر، مباحث سایر علوم آورده شود، یا این که مفهوم آیه با توجه به علوم گوناگون تفسیر و تبیین گردد، مثلاً: بحث از این که وجود اصل است یا ماهیت و چگونگی وجود ذهنی و قوه و فعل، این ها مباحثی است مربوط به دانش فلسفه که در آن علم می‌بایست درباره آن بحث شود و هر علمی موظف است که مفاهیم و مطالب خود را روشن کند ولی از همان فلسفه می‌توان در تفسیر آیات کمک گرفت که از آیه تصویری عقلی به دست آوریم. یا برای آن استدلال و برهان عقلی بیاوریم یا مثلاً با توجه به علم معانی و بیان، مطالعه می‌کنیم که در آیه چه نکته فصاحتی و بلاغتی هست و این غیر از آن است که مباحث آن علم به داخل تفسیر کشانده شود. یا براساس فلسفه و عرفان می‌بینیم در آیه چه حقیقت فلسفی و نکته معرفتی هست.

از این روی می‌توان گفت: یکی از نکات ممتاز این تفسیر این است که گرچه در ذیل آیات آن همه عناوین مختلف علوم باز می‌شود و آیه از دیدگاه‌های گوناگون بررسی و تبیین می‌گردد، در عین حال مفسر هیچ‌گاه از وظیفه اصلی و راه تفسیر دور نمی‌افتد و با کمال مراقبت در خط تفسیر آیه حرکت می‌کند و از پرداختن به مباحث سایر علوم پرهیز دارد و آن‌ها را به خود آن دانش‌ها احاله می‌دهد.

مبانی تفسیری و وظیفه مفسر:

مؤلف در آغاز این تفسیر ارجمند وظیفه گسترده و مهمی را برای مفسر براساس این روایت شریف بیان می‌دارد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «کتاب خداوند» بر چهار پایه استوار است: عبارت، اشارت، لطایف و حقایق، عبارت برای همگان، اشارت برای خاصان، لطایف برای اولیاء و حقایق برای انبیاء (بحارالانوار، ۲۰/۹۲).

مفسر عالی مقام با توجه به این روایت شریف و مبنی قرار دادن آن، قرآن کریم را تنها الفاظ و عبارات نمی‌داند بلکه از نظر ایشان قرآن دریایی است ژرف و بی‌کران و دارای افق‌های وسیع و مشتمل بر لطایف روحی و اشارات معنوی و حقایق استوار و بلند و وظیفه مفسر تنها پرداختن به بیان مفهوم الفاظ و معنای عبارات نیست بلکه مفسر باید افزون بر

تلاش در راه تفهیم معانی الفاظ در راه کشف، تفسیر و درک حقایق و لطایف قرآن و پرده برداری از تمام مراحل و حقایق آن کوشش کند و با این برداشت از قرآن کریم است که افقی وسیع و چشم اندازی بسیار مهم جلو روی مفسر قرار می گیرد. بر مفسر است که با همه مراتب و مراحل قرآن کریم و جامعیت آن همراه گردد و با بهره گیری از دانش های گوناگون، حقایق آن را کشف و برای دیگران بازگو کند.

بدین جهت است که مؤلف در این تفسیر ارجمند با نظم و روش تفسیری خویش و با طرح مباحث و مطالب گسترده و کشف نکته ها و لطایف و دقایق نهفته در آیات توانسته با مراتب و مقصد های قرآن هماهنگ گردد و قلمرو وظایف مفسر قرآن مجید را به روشنی و در عمل تبیین گرداند.

زیرا قرآن کریم مشتمل است بر: الفاظ معانی (افرادی . ترکیبی) فصاحت و بلاغت، لطایف بیانی و خصوصیات و ظرافت های لفظی و معنوی، مفاهیم و حقایق و مباحث گوناگونی را که مؤلف (ره) مطرح می سازد، تفسیر و تبیین آن مراتب است.

که قرائت الفاظ قرآن کریم و روش نگاشتن آن و آثار و خواص حروف آن با توجه به علم قرائت و علم رسم الخط و علم حروف و اعداد، بیان می گردد.

اشتقاق و ریشه یابی الفاظ بیان معانی افرادی و ترکیبی آن ها با مباحث لغت، صرف و نحو آشکار می گردد.

آراستگی لفظ و معنا، فصاحت و بلاغت آن ها، خصوصیات و ریزه کاری ها و ظرافت های ویژه، توسط علم معانی و بیان، کشف و آشکار می شود. علمی از قبیل حکمت، عرفان، فقه و اصول به کشف مفاهیم، احکام و قوانینی که توسط آیات القا می شود، کمک می کنند و مؤلف عالی مقام افزون بر این وظایف، وظیفه مهم تری را برای مفسر تبیین می کند بدین سان که مفسر باید از حقایق قرآن تصویر صحیح عقلانی ترسیم کند و در برابر شبهات و اشکالات به دفاع از عقاید برخیزد. دیگر این که مفسر می بایست مقصد های عالی ای که قرآن برای آن نازل شده است کشف کند و مردم را به آن سمت رهنمون گرداند و بنابراین، تنها وظیفه مفسر تفهیم دقایق قرآنی نیست، بلکه در قبال هدایت و سازندگی انسان ها مسئولیت دارد که آن ها را به مقصد های عالی هدایت کند و برای رسیدن به اهداف فوق از مباحث کلامی، اجتماعی، اخلاقی و حکمت و فلسفه می توان بهره برد و استفاده کرد.

چگونگی بهره گیری از دانش ها:

برخی گمان می کنند که برای دوری گزیدن از «تفسیر به رأی» در تفسیر و فهم قرآن کریم نباید به هیچ وجه از معلومات و اطلاعات پیشین استفاده کرد و با ذهنی کاملاً خالی و بدون

دخالت دانش های گوناگون به تفسیر قرآن کریم پرداخت. با این دیدگاه ممکن است به نظر آید که پرداختن به آن همه عنوان و سرفصل در ذیل آیات نکته ای است منفی که به تفسیر به رأی کشانده خواهد شد.

با توجه به این مطلب است که هوشیاری و حساسیت مؤلف در سرتاسر این تفسیر نمایان می شود، زیرا ایشان با این که از آن همه اطلاعات و معلومات برخوردار است و از آن ها در تفسیر قرآن بهره می گیرد، در عین حال، به هیچ عنوان گرفتار تفسیر به رأی نگردیده است زیرا تفسیر به رأی آن است که انسان عقیده و فکر و نظری را انتخاب کند و آیات الهی را به عنوان تأیید برای آن بیاورد که در حقیقت رأی و نظر خویش را بر قرآن تحمیل کند و این به کلی متفاوت است با کسی که با داشتن معلومات بسیار، در پی این است که رأی و نظر و دیدگاه و بینش قرآن را به دست آورد و هیچ گونه تحمیل و داوری و قضاوتی را ابراز نمی دارد.

به عبارت دیگر، استفاده از معلومات و اطلاعات ذهنی در برخورد با قرآن دو گونه است. اول: در مسایل و مشکلات با استفاده از دانش های گوناگون به اعتقاد و رأی ثابت رسیده است و درصدد است با تطبیق دادن آیات با فکر خویش، توجیه و تأییدی از قرآن برای آن بیاورد. این، مصداق کامل تفسیر به رأی است.

دوم: با کمک دانش ها، مسایل و مطالب زیادی را دریافته است و با همراه داشتن زمینه های فکری و سؤال های بسیار به قرآن مراجعه می کند تا پاسخ و جواب قطعی را از آن دریابد.

بهره گیری از معلومات در این راستا نه تنها مضر نیست و تفسیر به رأی نیست بلکه چون در آن هیچ گونه قضاوت و داوری و اعتقاد از قبل نیست، صحیح ترین روش برخورد با قرآن است، زیرا قرآن برای تمام زمان ها و مکان هاست و انسان در هر زمان و مکان با مسایل و مشکلات ویژه ای مواجه است که باید برای حل نهایی و پاسخ قطعی به قرآن مراجعه کند و بالاترین که یکی از وظایف مهم مؤمنین به قرآن «استنطاق» و به سخن درآوردن قرآن کریم است که قرآن زبان بگشاید و برای انسان سخن بگوید و بدون داشتن سؤال در زمینه های فکری، قرآن به هیچ وجه با انسان سخن نمی گوید و باید او بداند سؤال چیست تا پاسخ آن را از قرآن دریابد و از این روست که داشتن اطلاعات و معلومات در بهتر فهمیدن قرآن ضرورت پیدا می کند زیرا هر فردی که در زمینه های اجتماعی و اعتقادی، معلوماتی بیش تر همراه داشته باشد، می تواند از گفتار های قرآن بهتر و افزون تر بهره مند گردد و شخصی که دارای فکر بسته است، از قرآن استفاده بسیار محدود خواهد برد.

این نکته ظریفی است که مؤلف آن را کاملاً دریافته و راه لغزنده ای است که او توانسته است با سعه صدر و هوشیاری کامل و سلامت آن را طی کند.

مکتب خاص تفسیری:

تفاسیر قرآن کریم در تاریخ اسلام با روش های مختلف و از دیدگاه های گوناگون نگاشته شده اند؛ از قبیل تفاسیر روایی، تاریخی، لغوی، ادبی، فقهی، عرفانی، عقلی، کلامی، علمی، تربیتی و اجتماعی که این روش ها یا تنها روش تألیف تفسیر بودند و یا وجه غالب آن.

با توجه به این که مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی (ره) در تفسیر آیات به عناوینی نظیر عناوین فوق می پردازد، ممکن است به نظر آید که ایشان تنها به جمع بین روش های مختلف اکتفا کرده است و افزون بر آن هریک از روش ها دارای اشکال و ایرادی است که با جمع شدن همه آن ها تمام ایرادات نیز گرد می آید. بنابراین، اشکالاتی که بر مجموع تفاسیر وارد است براین تفسیر نیز وارد است.

در پاسخ به این مطلب لازم است به گفتار مؤلف در مقدمه تفسیر توجه گردد که ایشان روش های تفسیری را نقد و بررسی می کند و آن روش ها را دارای سه نقص عمده و اساسی می داند.

۱. تفاسیری که از دیدگاه خاص و با روش ویژه ای نوشته شده اند از زاویه ای محدود و خاص به قرآن نگریسته اند که جامعیت قرآن در پس پرده محدودیت نگری پنهان می ماند. این روش ها هرگز نمی توانند انسان را به حقیقت جامع و زیبایی قرآن رهنمون گردند.

۲. هریک از روش ها به نوعی به آفت و اشکال گرفتارند.

از باب نمونه آفت روش روایی، نفوذ روایات ضعیف و اسراییلیات در تفسیر آیات قرآن کریم است و آفت روش عقلی و عرفانی افراط در تأویل آیات بدون مبنای منطقی است. روش علمی دچار این اشکال است که حقایق استوار قرآن را به دنبال پندار های علمی و اهداف غیر اصلی می کشاند.

۳. بسیاری از مفسران و مؤلفان با معارف مکتب اهل بیت آشنا نیستند و از آن سرچشمه های فیاض حقایق محروم اند.

با توجه به این اشکالات است که مفسر عالی مقام به منظور نمایاندن چهره زیبا و ژرفای بی کران قرآن کریم و با تکیه بر معارف ائمه معصومین علیهم السلام و پرهیز از آن اشکالات و دور ساختن آن ها از دامن تفسیر قرآن، به طرح و بسط مطالب گسترده در ذیل آیات می پردازد و روش ابداعی و ابتکاری و «طرح جامع تفسیر قرآن کریم» را ابراز می دارد.

بنابراین، پرداختن به مطالب عرفانی، عقلی، ادبی، اجتماعی و روایی در این تفسیر گرامی مانند سایر تفاسیر نخواهد بود. پس در این تفسیر نه تنها اشکالات و ایرادات روش های تفسیری جمع نگردیده است، که مؤلف با تیزبینی خاص و روش مستقل خویش از آنها پیش گیری ورزیده است.

از این رو، مؤلف بعد از آن که تمام مباحث پیرامون تبیین و توضیح آیه را می آورد برای آگاه شدن از مسلک ها و مرام های دیگر، سرفصلی تحت عنوان «التفسیر والتأویل علی اختلاف المسالك والمشارب» می گشاید و در آن از دیدگاه های تفسیری دیگر سخن به میان می آورد. لازم به یادآوری است که آگاهی کامل از آراء مفسر و سطح تفسیر و امتیازات آن در هریک از سرفصل های یادشده نیازمند مباحث جداگانه و مفصلی است. تا با توضیح هریک از آن ها به آراء و انظار مؤلف در آن زمینه هادست یابیم که در این شماره از مجله بیانات تنها به توضیح سرفصل «اخلاق» بسنده می کنیم و شرح و بسط سایر عناوین را به شماره های آینده واگذار می کنیم.

اخلاق:

یکی از درخشان ترین امتیازات این تفسیر گرامی آن است که مفسر عالی مقام در ذیل تفسیر آیات، سرفصلی را تحت عنوان «اخلاق» گشوده است که در آن نکات اخلاقی و دقایق معنوی مستفاد از آیات قرآن کریم بیان گردیده است. جهت روشن شدن نوع، مفهوم، هدف، اهمیت و زبان اخلاق از دیدگاه مؤلف به مطالبی به طور اختصار اشاره گردد.

مفهوم و نوع اخلاق:

آن چه در مراکز علمی به نام اخلاق یاد می شود و در ارتباط با آن کتاب تألیف می یابد و یا تدریس می شود، یک نوع دانش خاص با هدف معین نیست بلکه تحت عنوان اخلاق از پنج دانش خاص با اهداف گوناگون و روش های متفاوت یاد می شود که باید مشخص کرد منظور مؤلف از اخلاق اسلامی کدام یک است.

۱. اخلاق معاشرتی: با هدف برقرارساختن رفتار نیکو و محبت متقابل و زدودن خصومت و عداوت بین انسان و دیگران.

۲. اخلاق سیروسلوکی: با هدف بیدارسازی انسان و هدایت قدم به قدم او تا پیشگاه قرب

الهی.

۳. اخلاق توصیفی: و آن اخلاقی است که در مراکز رسمی تدریس می شود. هدف از آن روشن ساختن و توضیح دادن مفاهیم و مطالب اخلاق است تا دانشجو به درک معانی آن ها نایل آید.

۴. اخلاق دستوری: منظور از آن دستور و فرمانی است که از مقام آگاه به منظور رشد و کمال به انسان می رسد و اخلاق دستوری را می توان به پزشکی تشبیه کرد که با آگاهی از درد و درمان، برای مریض نسخه شفا می نویسد.

۵. اخلاق سیاسی: آن مهارت هایی است که برای رسیدن به قدرت و مقام به کار گرفته می شود و سیاست مداران برای به دست آوردن قدرت و نفوذ بیشتر در مردم، از آن بهره می گیرند. هم اکنون باید دید منظور مفسر بزرگوار از اخلاق چیست.

اما اخلاق معاشرتی، اسلام در روابط انسان ها در دنیا بهترین دستورها و ظریف ترین نکات را بیان داشته است به طوری که اگر دستورهای دینی به کار بسته شوند، جالب ترین و زیباترین زندگی و سعادت برای انسان تأمین می شود، ولی مطلب اساسی و قابل توجه این است که دین، آبادی و سعادت دنیایی را نردبانی برای رسیدن به آخرت ساخته است. پس یک دستور دینی در عین این که محبت در بین انسان ها ایجاد می کند، اگر آنان این دستور را به خاطر خدا به جا آورند، آخرت آنان نیز تأمین می گردد. مثلاً اگر کسی به پدر و مادر برای رضای خدا احسان کند، این دستور هم دنیا را آباد می کند و رابطه محبت بین فرزند و پدر و مادر ایجاد می کند و هم موجب ثواب و رسیدن به رضای خداوند می گردد. بنابراین، دستورهای دینی یک سکه دو روست که یک روی آن سعادت دنیا و آبادانی و روی دیگر آن رسیدن به قرب و آخرت است.

روی این جهت اخلاق اسلامی را نمی توان تنها اخلاق معاشرتی نامید که فقط به محبت مقابل بین افراد انسان نظر دارد و به آخرت کاری ندارد.

اما اخلاق سیرو سلوکی. البته اخلاق اسلامی سیرو سلوکی است و هدف آن، رساندن انسان به خداوند است ولی با روش ها و دستورها و هدف های مخصوص به خود که در هیچ یک نمی توان یافت و تنها طریقه حقه سیر و سلوک را از ائمه اطهار می باید طلب و جست و جو کرد. به اختصار بیان می شود که اخلاق اسلامی از نوع اخلاق توصیفی و سیاسی نیست و با این سنجش می توان گفت: اخلاق اسلامی از نوع اخلاق دستوری و سیرو سلوکی است در عین این که اهداف اخلاق معاشرتی در آن تأمین می گردد و منظور مؤلف هم از اخلاق درست همین اخلاق سیر و سلوکی است و آن عبارت است از:

مجموعه دستورهایی به دست آمده از قرآن و روایات ائمه اطهار به منظور سیر و سلوک و رساندن انسان به مقام قرب، رضوان و لقای خداوند.

از این رو مفسر عالی مقام در بیانات اخلاقی خویش همواره به لطایف و دقایق سیرو سلوکی قرآن و موعظه های بیدارساز، ارکان سلوک و موانع آن، دوری از غفلت، آراستن قلب با یاد خداوند، می پردازد و به هیچ وجه به گفتارهایی که به هدایت انسان نمی انجامد روی نمی کند.

اهداف:

اهداف عمده دانش اخلاق عبارت است از:

۱. تخلیه یعنی واراسته شدن انسان از هرگونه اخلاق زشت و پلید.
 ۲. تخلیه یعنی آراسته شدن انسان به اخلاق پسندیده و نیک.
 ۳. تجلیه یعنی منور ساختن باطن به نور حقایق الهی.
 ۴. فناء یعنی انسان به جایی برسد که بتواند فقط خدا را مشاهده کند و آن چه غیر اوست از چشمش محو شود و مشغول دیدار جلال و جمال کبریایی گردد.
- منظور اخلاق اسلامی این است که انسان را به این مراحل سیر دهد و به سعادت واقعی برساند.

می توان برای اخلاق اسلامی به بیانی نزدیک به روایات، ۳ هدف اساسی، یاد کرد:

۱. قرب. ۲. رضوان. ۳. لقاءالله.

دستورهای سیر و سلوک نخست ما را به جانب قرب می برد و سپس مشمول رضوان خداوند می گرداند تا در نهایت انسان به لقای خداوند نایل گردد.

مفسر عالی قدر با روح بزرگ و دانش استوار و قلب مهربان و دل سوزان و زبانی مؤثر و بیانی سازنده و گدازنده و گفتار بیداری آفرین و غفلت زدا، به طور مدام در بیانات خویش به تعقیب و تحقیق اهداف فوق پرداخته است و با تمام توان و بیان درصدد برآمده است تا با نجات انسان از ظلمت، شرک، ریا، عجب، غفلت و پلیدی ها، او را به عالم نورانی توحید، انس، رضوان و لقاء وارد سازد. قابل توجه این است که مفسر عالی مقام تمام مراتب یاد شده را با توجه به دقایق معنوی و لطایف باطنی نهفته در آیات و با استفاده از دلالت و اشارت قرآن کریم بیان می دارد و به آن چه بیرون از مدلول آیات است، نمی پردازد و این روش را به عنوان شیوه تفسیری خویش اعلام می دارد.

اهمیت اخلاق و اهتمام مفسر به آن:

تزکیه نفس یا رشد و کمال باطنی و سیر و سلوک انسان به سوی خداوند از مطالبی است که خداوند بزرگ بعثت انبیاء و نزول کتب آسمانی و به ویژه قرآن کریم را به آن خاطر قرار داده است.

بعثت انبیاء دارای سه مقصد و هدف مقدس و بزرگ است:

۱. جهاد و بسیج مردم و مبارزه در راه برانداختن ظلم و ستم.
۲. ایجاد حکومت عدل الهی.
۳. سازندگی انسان و هدایت و رساندن او به هدف نهایی خلقت و پیشگاه قرب الهی.

هدف جهاد، زمینه سازی برای تشکیل حکومت الهی است و غرض از جهاد و حکومت فراهم آوردن زمینه مساعد سیر و سلوکی و سکوی پرواز به سوی خداوند. بنابراین، تزکیه و آراستن باطن و زدودن موانع، همان رشد و کمال نهایی است که تمام انبیاء به آن جهت مبعوث گردیده اند و آنان از زندگی خود و درپی تحقق آن، در جهاد و تلاش بودند.

مفسر عالی مقام با اعتقاد به این مطلب، تزکیه را هدف اساسی و نهایی نزول آیات قرآن کریم می داند و می فرماید:

«ولما كان اساس الكتاب الالهی لهدایة عایلة البشر الی الکمالات الاخلاقیة و الاوصاف الالهیة لابد من الاشارة الی المسائل و مباحث».

مؤلف در این گفته در واقع پاسخی ارائه می دهد به این که چرا در تفسیر آیات به مسایل اخلاقی و معنوی رو آورده است. ایشان سرفصلی تحت عنوان «اخلاق و نصیحت» گشوده است که طی آن می فرماید: «کتاب الهی برپایه هدایت بشر به کمالات معنوی و صفات الهی نهاده شده است و از این رومی بایست به پیام های معنوی آیات روی کرد و آن ها را با گوش جان شنید و به آن دل سپرد».

با توجه به نکات یاد شده و این که ترقی معنوی انسان، هدف نهایی انزال کتب و ارسال رسل است، می توان به اهمیت علم اخلاق پی برد زیرا اخلاق اسلامی تنها دانشی است که عهده دار این مهم است و در آن قوانین، ضوابط میزان، ارکان، موانع و دستورهای سیر و سلوک ترسیم گردیده است.

«اخلاق» و «علم مراقبت» توان و انرژی آن را دارد که انسان را با هر وضعیتی که دارد و در هر کجا که هست، به حرکت و سیر و سلوک آورد و در تمام قدم ها و حالات معنوی همراه وی باشد و به او یاری رساند تا این که سالک به مقصد و مقصود حقیقی واصل گردد. علم مراقبت با پیوندی که با هدف نهایی آفرینش دارد، در میان علوم دینی شریف ترین و برترین رتبه را حایز است. متأسفانه اخلاق اسلامی در جامعه های اسلامی به ویژه مراکز فرهنگی و حوزه های علمیه از جایگاه ویژه خود برخوردار نیست و با آن دانش شریف و عزیز به طور جنبی و حاشیه ای برخورد می شود. حتی به سان سایر علوم از اهتمام برخوردار نیست و در متن درس ها جای ندارد.

مفسر عالی مقام با توجه به جایگاه والای علم اخلاق، کوشیده است که در تفسیر آیات، از مباحث اخلاقی بهره گیرد و با طرح مطالب لطیف معنوی به خواننده روحی تازه دهد و به اهداف سیر و سلوکی آیات قرآن جامه عمل بپوشاند.

نیز ایشان با اهتمام کامل توانسته است در تفسیر شریف خود، دانش اخلاق را در جایگاه ویژه و شایسته اش جای دهد و از مهجوریت و کم توجهی به آن بکاهد.

بالا تر این که بیان مطالب معنوی را از مهم ترین وظایف در تفسیر قرآن کریم می داند و می فرماید:

«وعلى كل حال يا ايها المفسر قم وانذر الناس عن السير في المفاهيم والتراكيب والنكات والخصوصيات وبشرهم بالسفر في حقيقة الكتاب وروحه وفي دقيقة هذا النموذج الالهي وشئونه حتى ينال العبد ما جاء لاجله الكتاب والله الهادي الى دارالحقيقة والعنوان.»
ایشان در این کلام بیان می دارد که وظیفه مفسر تنها پرداختن به بیان مفاهیم و نکات و خصوصیات کلامی نیست. عمده ترین وظیفه آن کوشش برای هدایت مردم و سوق مردم به روح قرآن کریم و مراتب معنوی آن است.

زبان اخلاق:

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی «قدس سره» که سالیان متمادی به درس اخلاق در حوزه علمیه قم رونق بخشیده بودند، برای اخلاق به ویژه در مکتب اهل بیت زبانی ممتاز و جدا از سایر علوم قایل اند و خود نیز با همان زبان درس اخلاق را بیان می داشتند که آثار مهم روحی و تربیتی در دل ها و جان ها باقی می گذاشت.

مرحوم آیت الله حاج سید مصطفی خمینی (ره) که به شاگردی مکتب پدر بزرگوار خود افتخار می کند، در این تفسیر گرامی با همان زبان و روش به طرح مباحث و بیان مطالب اخلاقی می پردازد. خصوصیت زبان اخلاق را در مقایسه با زبان سایر علوم می توان دریافت. علوم ضمن این که هریک از موضوع مسایل و روش و نتایج ممتاز برخوردار هستند، به طور عموم، از زبان واحدی در بیان مسایل استفاده می کنند. در علوم مفاهیم، مسایل، مطالب و روش ها با زبان توصیف و تبیین القاء می گردند و انسان را با بیرون کشاندن از خود، به دنبال فهم و درک و مهارت سوق می دهند. مخاطب و طرف سخن عقل است که با تمرکز و دقت به پی گیری به نتایج و حل مسایل دست می یابد.

اخلاق، انسان را به نفس و مراقبت های آن فرا می خواند و زبان آن با علم متفاوت است و به توصیف مفاهیم و مطالب نمی پردازد.

تمام حساسیت به درک و فهم و مهارت که منظور اصلی علوم است، انحصار ندارد و دانش اخلاق توجه کامل را به خودسازی و ترقی و تکامل و درد و درمان معطوف می سازد و مخاطب آن فقط عقل نیست بلکه با دل و فطرت پاک سخن می گوید و از وی پاسخ می طلبد و در او اثر می جوید. زبان آن عبارت است از: پند، موعظه، تذکر، نصیحت، مهربانی، خیرخواهی، هشدار، نهیب و بیداری.

تذکر است به علم و بصیرت الهی، جلال و جبروت خداوند، عظمت و کبریایی او، توجه به

نعمت های بی شمار، حلم و گذشت، احسان و انعام، ربوبیت و اکرام، رحمت و غفران، مقام فنای دنیا و جاودانگی آن سرای، دوری راه و کمی زاد و توشه، هشدار و پرهیز از غفلت و گناه، ظلم و ظلمت، شرک و ریا، عجب و تکبر.

موعظه و توجه دادن است به آخرت و مراحل آن، جهنم و درکات آن، بهشت و درجات آن، درد و درمان، حسرت و شرمندگی، ظلمت و عذاب، نعمت و نجات.

نقش زبان در علم اخلاق را نباید به سان یکی از مباحث آن دانست. این روحی است در کالبد همه مطالب آن. مباحث اخلاقی بدون آن از حیات، قوام، تازگی و بالندگی برخوردار نیست و آن زبانی است ویژه که اهل خاص دارد. در کام هر عالم نباشد و بر هر قامت راست ناید.

نتایج و آثار اخلاق:

نتایج و آثار اخلاق را در توحید و معرفت موحدان و روح سرشار از محبت راه یافتگان محفل انس و سینه درخشان خاصان درگاه قرب، می توان مجسم یافت.

تاریخ نشان داده است که هرگاه نسیم اخلاق، وزیدن گیرد، به جان ها حیات و بیداری می بخشد و آن گاه که از زبان پیامبر و ائمه اظهار و از بیان استاد ذوب شده در معنویات و از فضای نور و معرفت و اخلاص و با زبان بیدارساز خود، القاء گردد، در چهره مشتاقان و جان عاشقان و روح دل باختگان، آثار و صفاتی درخشنده بدین گونه جلوه گر می گرداند:

شوق و رغبت، کشش و کوشش، احساس و ایمان، جهاد و فداکاری، شور و شیدایی، رفتن و شتاب، دیدار و سعادت، نجات و رستگاری، نورانیت و انقطاع، تماس و اتصال، غلبه عظمت و تجلی جلال و جمال، دل شکسته و اشک ریزان، زبان ذاکر و قلب شاکر، انس و شتیاق، عبادت و عبودیت، قرب و رضوان و لقای پروردگار، رهیدن از مضایق دنیا و سرسپردن به آستانه مولا و طهارت روح، درخشش نهان، تهجد و تلاوت آیات. ظهور و تحقق این آثار و صفات شکوهمند که از ثمرات ارزشمند اخلاق است، انگیزه اصلی مفسر عالی مقام در پرداختن به مباحث اخلاقی و معنوی است.